

خبر کوتاه

انتخاب‌هایی بدون اثری از شایسته‌سالاری!

سپهر ستاری

باشگاه پرسپولیس روز گذشته و پس از حواشی مختلف سرانجام مدیرعامل جدید خود را شناخت و جعفر سمعی، رییس حراست وزارت ورزش به‌عنوان مدیرعامل جدید این باشگاه معرفی شد تا رسماً کار خود را در این باشگاه آغاز کند. سمعی چهارمین مدیر باشگاه پرسپولیس در یک سال گذشته‌است؛ موضوعی که نشان می‌دهد این باشگاه علی‌رغم نتایج خوبی که کسب کرده، چقدر در زمینه مدیریتی بی‌ثبات بوده و شرایط سختی را تجربه کرده است. اوضاع در دیگر تیم پرطرفدار پایتخت یعنی استقلال هم چندان بهتر نیست؛ بی‌ها سال گذشته در چنین زمانی امیرحسین متحی را به عنوان مدیرعامل خود می‌دیدند ولی او پس از ماجرای استراماچونی استعفا داد و پس از این اتفاق، اسماعیل خلیل‌زاده، علی فتح‌الله زاده و احمد سعادتمند هر کدام مدتی مدیریت استقلال را بر عهده داشتند و اکنون هم احمد مددی سرپرست موقت باشگاه است و احتمالاً او هم به زودی جای خود را به گزینه دیگری خواهد داد تا چرخه تغییرات در این دو تیم ادامه پیدا کند؛ در چنین شرایطی که این دو باشگاه پرطرفدار پایتخت در بدترین شرایط مدیریتی به سر می‌برند، انگشت اتهام به سوی وزارت ورزش و جوانان است که با انتخاب‌های عجیب خود و تغییرات فراوان باعث شده این دو باشگاه چنین اتفاقاتی را تجربه کنند. وزارتی که انتخاب‌هایش نه بر اساس شایسته‌سالاری، که به واسطه روابط صورت می‌گیرد و با همین روند در چند سال اخیر هزینه‌های فراوانی به این دو باشگاه تحمیل کرده و منابع مالی را هدر داده است. علی‌رغم تمامی این اتفاقات اما، وزرات هرگز تغییر رویه ن داده و همچنان شاهد حضور گزینه‌های عجیب در راس دو باشگاه هستیم؛ نفراتی چون سمعی و مددی بدون سابقه خاصی اکنون سکن‌دار بزرگ‌ترین تیم‌های باشگاهی ایران شده‌اند. انگار وزارت ورزش و تصمیم‌گیرانش هیچ درکی از اهمیت این دو باشگاه برای هواداران پرشمار خود ندارند و کار را به جایی رسانده‌اند که پای مجلس شورای اسلامی هم به‌جران سرخابی‌ها باز شود.
تجمعات ماه‌های اخیر هواداران این دو تیم مقابل درب مجلس این هم در شرایط کرونایی نشان می‌دهد هواداران تا چه اندازه از شرایط تیم‌های خود ناراضی هستند و با ناامیدی از وزارت خانه مقابل مجلس تجمع کردند تا بلکه نمایندگان صدای آن‌ها را بشنوند و فکری به حال این دو تیم کنند با وجود تمام این اعتراضات و شرایط سختی که دو تیم تجربه می‌کنند، خود اعضای وزارت ورزش با افتخار از تصمیم‌های عجیب خود برای سرخابی‌ها دفاع می‌کنند و به نوعی پشت چهار قهرمانی پرسپولیس و نایب‌قهرمانی‌های استقلال پنهان شده‌اند. کاش تصمیم‌گیران این دو باشگاه یک بار درباره متر و معیار انتخاب‌های عجیب و غریب خود صحبت کنند و به همه بگویند مدیران دو باشگاه براساس چه سابقه‌ای انتخاب شده و از چه فیلترهایی رد شده‌اند. این روزها میانگین عمر مدیریت در استقلال و پرسپولیس به کمتر از سه ماه رسیده و در این فاجعه نقش وزارت ورزش که در جزئی‌ترین اتفاقات این دو باشگاه هم دخالت می‌کند، پررنگ‌تر از عوامل دیگر است.

چالش استقلال؛ قهرمانی با ۲-۵-۳
فوتبال ایران مدت هاست از سیستم ۲-۵-۳ عبور کرده؛ کمتر تیمی در رده های سنی پایه و کمتر تیم باشگاهی در لیگ های مختلف با این شیوه بازی می کند و شاید بتوان گفت نسل امروز خیلی با این شیوه از بازی آشنا نیست. استقلال اما با هدایت محمود فکری قصد دارد با این شیوه بازی کند؛ و این راهی بود که آبی ها فصل گذشته با استراماچونی شروع کردند. در ابتدا استقلال امتیازاتی آشنا می شد تا جایی که با به دست آوردن امتیازات لازم مدعی قهرمانی شد. از بازی های دوستانه استقلال این چنین بر می آید که آبی ها بار دیگر می خواهند با این سیستم رجوع کنند؛ چالش آنها در فصل جدید فصلی با سیستم ۲-۵-۳ است. اگر این اتفاق رخ دهد نگاه ها در فوتبال ایران نسبت به این سیستم تغییر خواهد کرد. فصل های متمادی است که تیم های باشگاهی در ایران با شیوه ۲-۴-۴ خطی و کمتر لوزی و ۳-۴-۳ بازی می کنند. تیم هایی که تصمیم می گیرند با این شیوه بازی کنند به خاطر ارایه بازی تهاجمی در برابر حریف است و اینکه نفرات بیشتری در حمله داشته باشند. در چند در سیستم چهار دفاعه هم از بین مدافع راست یا چپ یکی می تواند در حمله شرکت کند. از عیب های بزرگ این سیستم فضایی برای بازی پشت دو بازیکن کناری را پیستون ها است. آنها مدام باید در حمله باشند و تیم حریف بعد از توپ گیری با پاس های سریع و بلند می تواند از فضای پشت آنها برای طراحی حمله استفاده کند و تنها کافی است از یک مهاجم سرتعی در ترکیب بهره ببرد. این اتفاق فصل گذشته چندین بار برای استقلال در بازی ها رخ داد و تیم های حریف سعی می کردند در ضد حمله به استقلال آسیب بزنند. اتفاقا یکی از تیم هایی که از این حربه در بازی با استقلال بهره گرفت تیم محمود فکری یعنی نساجی بود. نساجی در بازی رفت و در قائمشهر در حالی که مربی تیم رضا مهاجری بود به دلیل ارایه بازی ترکیبی بازی را دو بر یک باخت اما در بازی برگشت محمود فکری تصمیم به تجمع تیم در منطقه یک سوم دفاعی و استفاده از سه مهاجم گرفت که بازی در حالی با نتیجه یک بر یک خاتمه یافت که تیم نساجی فرصت های خوب دیگری هم برای گلزنی داشت.استقلال مهبای بازی با این شیوه می شود. اولین آزمون در بازی با مس رفسنجان رقم می خورد. البته همه شیوه ها بازی ارای حسن و نقطه ضعف هستند و این تلاش بازیکنان در زمین است که می تواند نقاط قوت را برجسته و نقاط ضعف را کمزنگ کند. آنچه که در نهایت موجب نتیجه گیری تیم اری می شود تلاش تلاش بازیکنانش است نه سیستم و زمین بازی. استقلال را سایه تلاش برای قهرمانی می تواند دست به یک کار بزرگ دیگر هم بزند. همان طور که اشاره شد تغییر نگاه ها در فوتبال ایران به سیستم ۵-۲-۳ است.

حَشی‌ش

مدیرکل ارزیابی‌های پزشکی سازمان لیگ فوتبال گفت: گاهی اوقات ممکن است تنباکو به حشیش آلوده باشد که حشیش جزو مواد ممنوعه است.

به گزارش خبرگزاری فارس، زهره هراتیان درباره شکل‌گیری ایفمارک و فعالیت‌های آن گفت: از سال ۲۰۱۵ ایران جزو مراکز مورد تایید فیفا قرار گرفت. بخشی از تجهیزات با پروژه‌هایی که آن زمان تعریف شده بود کار را تکمیل کردیم. ۵۰۰ هزار دلار برای ما تجهیزات ارسال شد.

مدیرکل ارزیابی‌های پزشکی سازمان لیگ فوتبال درباره اختلاف کی‌روش با ایفمارک، یادآور شد: بر سر ساختمان و یکسری مسائل بود. مهمترین نکته اینکه ۵۰۰ هزار دلار برای تیم ملی بوده غیرممکن است. برای فیفا که گزارش مالی را هر سال تعریف می‌کند این پول را برای جای دیگر هزینه نمی‌کند.

هراتیان درباره سرویس‌دهی به کشورهای همسایه، عنوان کرد: نیاز به زمان دارد. کسانی که این کار را می‌کنند به خاطر این بوده که ایفمارک هنوز جوان و نوپاست و این نوید را می‌دهم که در آینده به کشورهای همسایه خدمت دهد. بخش مالی ایفمارک زیر مجموعه سازمان لیگ است. وی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه از تست‌های لیگ برتری ایراداتی مطرح شده، گفت: ما معایناتی که انجام می‌دهیم زیر نظر فیفاست و برخی را اضافه کردیم. ما یک کار بین‌المللی انجام

می‌دهیم و نمی‌توان فقط یک کار معاینه انجام داد. به همین دلیل تکنولوژی جدید را انجام می‌دهیم. وقتی برای موردی نظر متضاد هم باشد کمیسیون پزشکی تشکیل داده می‌شود. ایفمارک نمی‌گوید اگر کسی رباط صلیبی‌اش پاره است بازی نکند بلکه به مدیرعامل باشگاه می‌گوید که بازیکنی که شما می‌خواهید با او قرارداد ببندید چه مشکلاتی دارد. نقش ما اطلاع‌رسانی به باشگاه است تا از نظر مالی با مشکل روبه‌رو نشود.

هراتیان درباره هزینه‌هایی که از بازیکنان گرفته می‌شود، عنوان کرد: ما به ازای هر بازیکن

مدیرکل ارزیابی‌های پزشکی سازمان لیگ فوتبال فاش کرد:

حَشی‌ش معضل جدید قلیانی‌های فوتبال ایران!



به همین دلیل تنها فقط یک کار معاینه انجام داد. به همین دلیل تکنولوژی جدید را انجام می‌دهیم. وقتی برای موردی نظر متضاد هم باشد کمیسیون پزشکی تشکیل داده می‌شود. ایفمارک نمی‌گوید اگر کسی رباط صلیبی‌اش پاره است بازی نکند بلکه به مدیرعامل باشگاه می‌گوید که بازیکنی که شما می‌خواهید با او قرارداد ببندید چه مشکلاتی دارد. نقش ما اطلاع‌رسانی به باشگاه است تا از نظر مالی با مشکل روبه‌رو نشود.

هراتیان درباره هزینه‌هایی که از بازیکنان گرفته می‌شود، عنوان کرد: ما به ازای هر بازیکن

نمایشگاه جعلی تعصب باشگاهی

و وابستگی عاطفی داشته باشد که در قطر به الریان پیوسته و به لوگوی باشگاه بوسه بزند. این بوسه فقط به کار عکاس‌های تبلیغاتی باشگاه می‌خورد.

یادآوری این خاطره طنزآلود شاید جالب باشد که اوایل دهه هشتاد یک بازیکن خارجی می‌خواست از استقلال به صنایع اراک منتقل شود و در یک مصاحبه سفرارش که در روزنامه مشهوری در آن زمان منتشر شده بود، به نقل از او نوشته بودند که «از کودکی عاشق صنایع اراک بودم». این مصاحبه شاید خنده‌دار به نظر برسد که یک بازیکن برزیلی از کودکی عاشق صنایع اراک است، در حالی که باشگاه صنایع اراک ۲ سال قبل از این مصاحبه تأسیس شده بود. اما این یک مثال است از مضحک‌های به نام تعصب غیرواقعی باشگاهی. آنچه در فضای هواداری شبکه‌های اجتماعی می‌گذرد، نمی‌تواند جریانی خودجوش باشد. به این معنا که تحت تأثیر کانال‌ها و حساب‌های پرمخاطب هواداری در اینستاگرام، جریان‌ها تولید می‌شوند و به چنان اغراق و اغلاط و لودگی‌هایی دچارند که نمی‌توان بر اساس آن به بررسی هر موضوعی نشست. نوعی توجه بیهوده به جریان‌هایی زرد و خالی از مفهوم رایج است و همه‌های می‌سازد که صدایی شنیده نمی‌شود. از این همهمه بسیاری از جریان‌های دلالی بازیکن بهره‌مند می‌شوند، بازیکنان فضایی بدون نقد واقعی را تجربه می‌کنند و فقط مشت‌ی تحسین و فحاشی در موقعیت‌های مختلف می‌شوند. برای مدیران موقعیت لاپوشانی



اشتباهات و فساد پدید می‌آید و آشفته‌بازاری راه می‌افتد که بیا و ببین. در این فضا هر نقدی، طرفداری یا تحریب تلقی می‌شود و به شکلی بیمارگونه همه چیز تحت تأثیر یک شیوع‌بازی مجازی است. موج‌ها می‌آیند و تخریب می‌کنند و می‌روند و موج بعدی هر دم در راه است. اسم این همه بیهودگی را می‌گذارند تولید محتوای مجازی.در این فضا، تعصب باشگاهی به جای اینکه در یک مسیر حرفه‌ای به اعتبارسازی برای باشگاه منجر شود، به یک جریان بی‌هدف، پر از اغراق و دغل تبدیل می‌شود که همواره در جدل با فوتبال است، به جای آنکه در عشق به فوتبال کارکرد داشته باشد.

باش. گفته می‌شود مهدی‌پور از پتانسیل مناسبی

برای بر کردن جای خالی کریمی برخوردار است و می‌تواند یک کریمی تازه در استقلال باشد، اما باید توجه داشت خو گرفتن با شرایط بازی در استقلال خود پروسه‌ای زمانبر است و بعید است مهدی‌پور آنقدر حرفه‌ای باشد که بتواند در زمان اندکی به یک جانشین قابل توجه برای بازیکنی تبدیل شود که استقلال در یک سال اخیر بشدت به او وابسته بود.

به هر حال جدایی کریمی از استقلال را باید یک شکست بزرگ برای مدیران کنونی باشگاه استقلال دانست. شاید اگر برخی مدیران استقلال بخصوص عبدیان که در روزهای اخیر به فکر جذب نادری بود مذاکراتی جدی‌تر را با علی کریمی انجام می‌داد این بازیکن به ماندن ترغیب می‌شد، اما انگار مرغ استقلایی‌ها یک با داشت و آنها نمی‌خواستند بیش از آن دستمزدی که برای کریمی در نظر گرفته‌اند هزینه کنند.

به هر حال حالا با این تصمیم باشگاه استقلال به نقطه‌ای رسیده که یکی از کلیدی‌ترین بازیکنانش را از دست داده است و روشن نیست در فقدان بازیکنی اثرگذار همچون کریمی که دریایی از استعداد و تأثیرگذاری بود استقلال در خط میانی چه شرایطی را تجربه کند و آیا بتواند به یکی از مربیان قهرمانی تبدیل شود یا خیر؟ با جدایی کریمی از استقلال به نظر می‌رسد بنوعی موازنه میان رفته‌های استقلال و پرسپولیس هم رعایت شد و آبی‌ها نیز یکی دیگر از مهره‌های کلیدی خود را از کف دادند. پیش‌تر نیز روزبه چشمی استقلال را ترک کرده بود.

و به نوعی در این فوتبال گرگ بالان دیده به حساب می‌آمند. در واقع آنها در جامعه فوتبالی که هر بازیکن برای گرفتن حشش به مقدار منتهایی بروویی و جسارت نیاز دارد در آن مقاطع حساس می‌توانستند گلیم‌شان را از آب بیرون بکشند و به نوعی با همهجهایی که علیه‌شان راه افتاده بود جنگیدند و کنار آمدند اما نادری ایمنطور نیست. نادری پسر آرام و سر به زیری است که به سختی دو جمله متوالی حرف می‌زند و روی مقابله با این همه حمله و انتقاد را ندارد.

شرایط البته به گونه‌ای است که او نمی‌تواند چشم و گوشش را به این همه فشاری که به او وارد می‌شود ببندد و مطمئناً تحت تأثیر این انتقادها قرار خواهد گرفت که می‌تواند روی فوتبالش تأثیر منفی بگذارد. تحمل این شرایط روانی برای بازیکنی که مدام مصلوم می‌شود حتماً فوق‌العاده دشوار خواهد بود که باید دید نادری از پس مقابله با آن برخواهد آمد یا نه.

در عین حال از همین حالا حاشیه‌های مربوط به تقابل هواداران پرسپولیس و نادری شروع شده .اینکه هواداران پرسپولیس دنبال آگاهسازی کورتیکز از غیر قانونی بودن صدور رزاینتنامه این بازیکن برای استقلال رفته‌اند تازه اول ماجراست و بی‌شک بی‌بی می‌شود انواع و اقسام این حاشیه‌ها گریبان شماره ۲۶ سابق سرخ‌ها را بگیرد که توان زیادی از او خواهد گرفت.

ورزش

شماره ۳۰۷۵

اخبار

های کجا شیر بیا؟

احسان محمدی

بعد از مصدومیت شاید درنداک‌ترین تجربه هر فوتبالیست، نشستن روی نیمکت است. آنها که در یک لیگ محلی هم روی نیمکت نشسته‌اند می‌دانند چه تجربه تلخی است.تمام مدت امیدواری که سرمربی نوبت را به تو بدهد تا بروی نوب زمین و شایستگی‌ات را جوری ثابت کنی که دیگر به نیمکت برنگردی، این حس آنقدر قوی است گاهی حتی شیطان نشسته روی شانه چپات آرزو می‌کند یکی از بازیکنان مصلوم شود … این دومی را البته همه به شدت تکذیب می‌کنند.البته تا زمانی که امکان مصاحبه با شیطان ممکن نشود!از علیرضا بیرانوند چه خبر؟ مدت‌هاست جز یک شعبده‌بازی در رختکن، مشاجرہ در برنامه تلویزیونی با رسول پناه و انفالو کردن شجاع خلیل‌زاده خبری از او نیست. در آخرین بازی آلتورپ هم نامش در لیست ۱۸ نفره نبود. دلیل، مصلومیت! با نیمکت‌نشینی بیرانوند عدالت نداریم اما بیشتر از ۱۰۰ روز است او را در زمین ندیده‌ایم. ورود به بلژیک و تجربه زندگی در یک کشور اروپایی برای دروازه‌بانی که حتی در قلب تهران هم به شدت به فرهنگ لری پایبند بود و از قول همبازی‌هایش در تیم ملی، بی‌وفادارانه‌های محلی را به آواز می‌خواند! اما که یک تجربه متفاوت و شوک فرهنگی! آن هم در روزهای کرونایی که با یک کره زمین متفاوت روبه‌رو هستیم. علیرضا بیرانوند کنار نشسته است و شاهد درخشش امیر عبدالزهد در لیگ پرتغال است؛ دروازه‌بانی که گاه ذخیره سوم او در تیم ملی بود. او کنار نشسته است و ستاره شدن حامد لک را می‌بیند و احتمالاً به زودی رشید مظاهری که زیر نور پروژکتورهای آبی قرار گرفت بیشتر دیده و تحسین می‌شود، او کنار نشسته است ولی احتمالاً سیدحسین حسینی بعد از یک فصل ناکامی دنبال فرصتی است تا با قدرت اعتبارش را دوباره برگرداند، او کنار نشسته است و پیام نیازمند اندک اندک دارد که به بیشتر پوشیدن پیراهن تیم ملی عادت می‌کند. بیرانوند بیش از هر وقت دیگری نفس داغ رقیبان را پشت یقه‌اش حس می‌کند. پوشیدن شماره یک تیم ملی، مثل دو صدمتر است، گاهی آنقدر فاصله‌ها نزدیک است که یک دم و بازدم اشتباهی می‌تواند آدم را از داشتن‌اش محروم کند. اسکوچیچ حتماً با دقت در حال بررسی نفر به نفر بازیکنانش در مسیر منتهی به جام جهانی است. او از کنار تجربه بیرانوند نمی‌تواند به سادگی بگذرد اما دروازه‌بانی که در تیم باشگاهی‌اش بازی نکند به سختی این شانس را دارد که شماره یک تیم ملی شود. بیرانوند باید خیلی زود خودش را به بلژیک به تیم اصلی تحمیل کند. جای شماره یک فوتبال ایران که تا ابد با مهار پالتلی او در خاطرها به یاد آورده می‌شود روی نیمکت ذخیره‌ها نیست، گرچه دروازه‌بانی یک تیم بسیار دشوار است و در میان دروازه‌بان‌های ایرانی که لژیونر شده‌اند فقط امیر عبدالزهد کارنامه قابل دفاعی دارد. نیما نکیسا، علیرضا حقیقی، سوشا مکائی و … هرگز نتوانستند ستاره شوند. اصطلاح «شیر پیا» بین لرها و لک‌ها معادل «شیرمرد» است. در روزهایی که هیچ خبر دلگرم‌کننده‌ای از علیرضا بیرانوند نمی‌رسد می‌شود با همان لحن و لهجه خودش از او پرسید: های کجا شیر بیا؟ کجایی شیرمرد؟

وقتی لمپارد حرف قلعه‌نویی را می‌زند!

با همه فراز و فرودها امیر قلعه‌نویی هنوز موفق‌ترین مربی تاریخ لیگ برتر ایران است. رزومه او آن قدر قدرتمند هست که همین حالا بعد از سال‌ها نتیجه نگرفتن، باز بازار کار دارد و با یک قرارداد قابل توجه روی نیمکت گل‌چین‌شده سیرجان بخت کرده! این همه اگر قرار باشد یکی از بارزترین ویژگی‌های امیر در این سال‌ها را به یاد بیاوریم، باید به گارد او علیه مربیان خارجی اشاره کنیم. قلعه‌نویی سرمدار ضدید با بسیاری از مربیان خارجی بوده که در این سال‌ها وارد فوتبال ایران شده‌اند. از او نقل قول‌های زیادی در مذمت موبوها و چشم رنگی‌ها در حافظه فوتبال ایران به یادگار مانده است.قلعه‌نویی همیشه اعتقاد داشته اینجا «مرغ همسایه غاز است» و اگر یک خارجی نتایج او را می‌گرفت، محسم‌هاش را می‌ساختند. برای پیدا کردن آخرین نطق امیر علیه مربیان خارجی اتفاقا نیازی نیست راه خیلی دوری برویم.او همین چند روز پیش پیرو شایعاتی که درباره رقم بالای قراردانش با گل‌چهر منتشر شده بود، گفت: «وقتی مارک ویلموتس ۱۰۰ میلیارد تومان قرارداد می‌بندد، ارزش مربیان داخلی هم همین است ولی قرارداد من خیلی کمتر از این رقم‌هاست.» شکست ویلموتس در تیم ملی و رسوایی فدراسیون فوتبال از عقد قراردادی ناشیانه و پرحرفه با مربی بلژیکی حالا باعث شد مربیان ایرانی با ترجیح‌بدن «چه چیز ما کمتر از ویلموتس است» که دفاع از حقانیت خود بپردازند. نکته جالب اما می‌دانید کجاست؟ جایی که فرانک لمپارد، هافبک پیشین چلسی و سرمربی کنونی این تیم هم دیروز مشابه سخنان قلعه‌نویی در ایران را در مورد فضای حاکم بر فوتبال انگلستان به زبان آورد! بخشی از مصاحبه لمپارد را پیش از بازی با کراسنودار روسیه در لیگ قهرمانان اروپا بخوانید: «تنها مربی انگلیسی تیم‌های بزرگ در لیگ برتر هستم ولی آن احترامی که بقیه مربیان دارند به من نگذاشته نمی‌شود. فصل قبل که می‌خواستیم هدایت چلسی را بر عهده بگیرم، خیلی‌ها از من سوال می‌کردند واقعا در مورد این تصمیم مطمئن هستم؟ این برای من ناراحت‌کننده بود. چرا یک مربی جوان انگلیسی نباید بتواند در یک تیم بزرگ مربیگری کند؟ به بقیه کشورها نیز این شرایط وجود دارد.» موضوع روشن است. فوتبال حرفه‌ای مرز ندارد. مردم دوست دارند کسی سرمربی تیم محبوب‌شان باشد که بتواند نتایج بهتری بگیرد. در این میان شناسنامه و پاسپورت او کوچکترین اهمیتی ندارد. توجه داشته باشید که انگلستان مهد فوتبال جهان است اما اکثر جمع عمومی وقتی مربیان خارجی را موفق‌تر می‌بیند، طبیعتاً به آنها اقبال بیشتری نشان می‌دهد. وقتی بورگن کلوب آلمانی به حسرت ۳۰ ساله لیورپول در لیگ برتر پایان می‌دهد و حتی این تیم را قهرمان اروپا می‌کند، طبیعتی که با آن کشته شده باشد. وقتی تیم ایتالیایی در همین چلسی قهرمان لیگ و حذفی می‌شود و تنها بدل تاریخ باشگاه را به جا می‌گذارد، مسلم است که مردم او را یاد نمی‌برند.